

برداشتى آزاد درباره موانع تفكر

نه چندان جدی!



«تفکر» موضوع مبتلابه جامعه بشری است. شرنمی تواند تفکر رااز روندزندگی خود، بزداید. نر این مسلیر اما، مُوانعی هم دیده شده و تاریخ زندگی بشــر، مواردی از آن را نقل کرده ای در این مسیر، بسیاری، عَمده ترین مانع تفکر را، حکومتها میدانند که با ابزاری مانند سان حکومتها می دانند که با ابزاری مانند سانسور، یا دیگر محدودیتها، بخشـــی از سو و روند فکر آدمی را، مانع می شوند. بر خلاف بسیاری از این نظرات، بــر این اعتقادم که اتفاقا مســـأله اصلی این نیست که مســـولان و نهادهای حکومتی تر جوامع مختلف، مانع فکر کردن می شوند، مسأله به شکل دیگری است و بزر گترین مانع تفكر به صورت غيرمستقيم ايدئولوژيک بودن وان نمونه در کشــور ما حاکم صاحب تفكر ويژهاى درباره موضوعات مختلف است. درباره مُوضُوعاتی مانند غُربُ، شرق، تاریخ ایران، موضوع انقلاب اسلامی، داعش و بسیاری رری کرد. از پدیدهها، دارای اندیشهای مشخص است. این عقیده و فکر، برمبانی است که تمام ارکان کشور بر آن اســتوارند و آن را درست مے دانند. در ایران درباره به وجود آمدن داعش، جنگ جهانی دوم، مسائل سبوریه یا هر مسأله دیگر، . بر کا گرا درستی برداشت رایج در میان برخی مسئولان برای از کان اثبات شده است. در نتیجه نگاهها و تُفُكّراتُ ديگرى را پس مى زندو أُنهاراً ردمى كند.ً این مسأله مى تواند به دو نتیجه مهم منجر شود که هر دونتیجه ناظر بر این ســوال است که چرا در جامعه ماامتناع تفکر داریم. در غرب یا جوامع توسعه یافته دیگر، حکومتها در مورد بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی از دانشگاهیان، صاحبنظران و متفکران کمک ے طلبند در فرانسه، آلمان، ژاین و هند حکومت ی . ز صاحبنظران و دانشگاهی ها در مورد مسائل کشور ســوال می کند. مثلا می پرســد که این بنیادُگراییُودّاعش چرابه وجود آمُدهاست و چرا جوانی در انگلستان که مدرسه و دانشگاهر فته،به

جوانی در انگلستان که مدر سه واشدگار فرتمیه بر حرقرمت این معلی از این اما در حیلی از موضوعات را تحلیل می ندند و باسحی برای سوالات می پابد.بنابراین وقتی از مسئولان درباره هر مساله ای ســوال کنید، پاسـخی دارند، کســی نمی گوید نمی دانم و نمی گویند باید ببینیم دانشگاه یا فلان بنیاد تحقیقاتی و ... در کشور ما این چیزها گفته نمی شود و برخی مسئولان همه چیز را می دانند. در نتیجه نیازی نمی بینند که از نهادهای تحقیقاتی و دانشگاهها کمک بگیرند. نهادهای تحقیقاتی و دانشگاهها هم عملاوضع پزشکی را پیدا می کنند که در جامعهای زندگی می کند که هیچ کس بهعنوان مریض به او مراجعه نمی کند و درنتیجه بیکار ر... می ماند. یا چون داروسازی است که چون همه سالهاند، هیچکس نمی آیددارو و مکمل غذایی از او تهیه کند. همان طور که آنهامشتری ندارند، مُراكَعْزَ تحقيقاتيي وصُاحبْنظيرانُ وعلمُاي انی نیز در ایران متاعشان خریداری علومانس را ندار دو مراکز رسـمی چون خودشان میدانند مشکلات چیستند و در ضمن برایشان راهحل هم دارند، به دانشگاهها رُجوع نمی کنند واُساسا چـه در بحث داخلی و چه مسائل بین المللی مها در بحث داخلی و چه مسائل بین المللی چـه در بحث داخلی و چه مسائل بین المللی تولید فکر نمی شـود. اگر به یک مدیر اجرایی بگُویی نظرش درباره طلاق چیست، نُمی گوید نمیدانــم چراطلاق زیاد شــده یــا نمی گوید ت دانشـگاهیان، صاحبنظران در اســی و روانشناســی اجتماعــی، بر این مساله تحقیق کنند و چرایی اشراکشف کنند بلکه جواب می دهند که مثلا خانواده باید این رفتار را داشته باشد، روحانیت باید فلان نابراین در شـرایطی که دولـت خودش همه چیز را میداند، خود به خود نیازی به تفکر و

" " " " " این باعث می شود که دانشگاهها، بنیادهای تحقیقاتی و سازمانهای مطالعاتی ما عملا حالت تشــریفاتی پیــدا کنند. آنهــا تبدیل به سازمانهاونهادهایی شدهاند که اگر هم پژوهش کنند، پژوهش های شان هم سطحی است و هممجازی. نه عمقـی دارد و نه خریــداری. در رویارویی با مسئولان وقتی درباره معضلات از رر رریی. آنها سوال می کنیم، نمی شنویم که باید تحقیق شود یا این که در حرفهایشان نتیجه تحقیقی را گوشزد کنند. به جای این که به نتایج کارهای ر موسره محققان رجوع کنند، در اینترنت سرچ می کنند که غربی ها چه گفتهاند، آیا در کانادا درباره علل طلاق ايراني ها تحقيقي انجام شده و آيا يک استاد ایرانی در استکهلم در این زمینه کاری انجام ت به دست هم باعث ناده است. همه ابنها دسـ میشوند تفکر در ایران نه خیلی جدی باشدو نه میلی جدی گرفته شود.



گفتو گویی درباره آموزشهای لازم در س

الكوطاي شاسبي براي كوكائمان باشيم

◄ چگونه می توان به کودکان شخصیت اجتماعی بخ



ین کودکی، بهویژه دوران ابتدایی زندگی، به اندازه کافی بحث ث واهميت آن روشن است. آموز شهاي لازم و ضروری در این دوران، چیست و چگونه باید آنهار ااعمال کرد؟

. در سنین اولیه تولد، کودک رفتارهای رشدی و حرکتی دارد و والدین باید رفتار های مناسبی نُر مقَابِل رفتًارهًای کودک داشته باشند تا رشد مسى و حركتى راحت ترى را پشت سر بگذارد. در ایس ٔ دوره باید برخی اُطلاعات را هم داشته باشیم؛ مثلا این که چطور فرزندمان احساس منيت كندتادر أينده فردى ايمن وازنظر روانی، شهروندی سالم باشد در سنین بعدی، کودک می خواهد مهار تهایی را به دست بیاور د به عنوان مثال می خُواهد در دستشویی رفتن استقلال داشته باشد. کودک در این دوره، ر تباط كلامي با دنياي اطراف را آغاز مي كندو. ر . مابه عنوان والدين موظف هستيم كارهايي انجام دهیم که کودک به شیوهای درست این موار درا رکن انجام دهد. باید این نکته را در نظر داشته باشی که کودکان با هم قابل مقایسه نیستند. به عنوا مثال دُر عرف،معمول است که از فلان سن دیگر کودک را نباید پوشــک کرد در حالی که از نظر روانشناسان برای این عمل و اعمال مشابه سن خاصی مدنظر نیست والدین باید توجه داشته باشند که برای این اعمال یک طیف سنی مدنظر

ریال دوم تولد به بعد، مسائل تربیتی کودکان نمیت خاصی می یابد. شاید تا این سن بیشتر روی مسائل شدی تمرکز شود اما از سال دوم

ین سن در رفتارهای کودک تغییر ایجادمی شود

ــی ان از از از از این از این این در این از این از این از این از این دود این در این دود از این دوران «من»مهای کودک و

. پافشاریهایش شروع می شـودو نوع بازیها و عقایدش تغییر می کند. تمام اینهابرای این است

كەبەدنيابفهماند كەمن ھم ھستم، مراببينيد،

برای کودکان زیر چهار سال، رفتار درمانی جدی

مبتنی برسبک تنبیه یا پاداش راشروع نمی کنیم و معمولا بسرای باز داشتن کسودک از کارهای

مُنفی، ُشرطیســازی یا از پرت ُکــردن حواس کودک بهره می بریم مســاله مهمی که والدین

درباره آن باید مطالعات زیادی انجام بدهند این

. نویدیاحتیاین کهمن هممی توانم نظر بدهم.

ست؛از دو تاچهار سالگی

اینهابرُخیازُرفتارهاییاست کهبی ے رہے رہے ہے۔ به موضوع رشد فیزیکی کے دک ارتباط دادہ ک دارد، برای تربیت کودکان بایداز چه سنی اقدم کنیم؟ و دیگر این که والدین برای اتخاذ رویه تربیتی مناسب، باید چه آموزش هایی ببینند؟

طرخ نو – لبلامهداد اجامعهای که خواهان پیشرفت د تواتمند می خواهد، به و بیرة خاتوادهها در این اجتماعات، اهمیتی بیشسینه دارنسد. خاتوادهها در هر جامعه، به ویژه جوامعی که طالب پیشرفت و توسعهاند، وظیفه دارند در اولین گامها تمر کر و حساسیت در تربیت فُرز ندانشان، بکوشند تااز مجموع گوشش های اینچنین فرز ندانی که جامعه پیش روز را می سازند و هر کدام عضوی از این جامعه هستند و خواهند بود، افرادی سالم (جه از نظر روانی و ذهنی و جه از نظر جسمی) باشند. کودکی چه از منظر فردی و چه از منظر اجتماعی، مهم ترین دوران زندگی ا افراداستو تمام آموزش هاومهارت هایی که فرد در این دوران می آموزد، در بزر گسالی آوبه کار خواهد آمد؛ با این توصیف هرچند والدین وظیفه دارند تلاش هایی برای بهبود کیفیت تربیت فرزندان خود (از جمله کسباطلاعات به روز) انجام دهند اما با بدیه این نکته توجه کرد ، تربیت مناسب ، رو به واحدی ندارد ورویه تربیتی عناسب بسته به معیما. وراثت و ... هر کودک، متغیر است. صرفنظر از این که چه ندارد ورویه تربیتی عناسب بسته به معیما. وراثت و ... هر کودک، متغیر است. صرفنظر از این که چه رویهای برای تربیت کودکان اخذمی شود باید به این نکته هم توجه کرد که والدین باید رویه یکسان و مشتر کی برای به کار بســـتن اصول تربیتی، در پیش بگیرندز برافقدان هماهنگی، کودکان را دچار تعارض می کند. «سپیده شبان» دارای دکترای مشاوره با «شهروند» به گفت و گونشسته واز کیو کیف تعارض می کند. این موضوعات بحث به میان آور ده است. مشروح این گفت و گو در ادامه آمده است:

عملا کودک می فهمد که هویـت جداگانهای از پدر و مادرش دارد چون قبل ّاز این سن، کودکّ خود و پدر و مادرش را یک هویت میپندارد. در

رفتارهایی که رفتارهای روتین و خوب هر کودک است و مورد پستند هر کدام از والدیت؛ بازی می کند، حرف گوش کن است، با همسالان خود یی سرگرم می شُود. یکسری از رفتارهااما، رفتارهای قرمزهستند؛ رفتارهایی که فرزندان مانباید آنهارا در هیچ سنی انجام بدهند؛ هل دادن، جیغزدن، فحاشي کردن، گريه و پافشـــاري براي به د وردن چیزی و …! برای جلوگیسری از اینها باید راهکارهای تربیتی داشته باشیم. رفتارهایی هم وجوددارند که رفتارهای زردمحسوب می شوند؛ رفتارهایی که برای همان سن هستندوبا گذشت از آن سن، دیگر نباید تکرار شوند. اطلاع داشتن والدین از رفتارهای زر دباعث می شود که واکنش ر اُسْتباهی نسسبت به آن رفتارها نداشته باشند. بهعنوان مثال ۳ سالگی،سن لجبازی بچههاست. واگر کودک در این سن شروع به لجبازی کرده و میخواهد جنگ اقتدار داشته باشد، چون ر کی مختص این سن است والدین باید بدانند چگونه

رفتار كنندتااين رفتار در كودك تثب نثبیت برخی رفتار در کــودکان، به چه دليا است؟ حیون ست. یک رفتار زمانسی باقی میمانند و در کودک تثبیت می شود که واکنش والدین نسبت به آن

Tarheno@shahrvand-newspaper.ir ارتباط باگروه طرح نو:

نوشتن براي فراموشي

نگاه فرهنگی

ىگايزارترىتى،ىدەن حايگزين

رفتار، اشتباه بأشد دُرنتيجهُ داشتن اطلاعات از رساره السببه باسد درسیب دانسی اسارهای رفتارهای مختلف در سنین متفاوت برای والدین ضُروری است.از چهار سالگی دیگر می شود رفتار درمانی را بــرای کودکان انجــام داد.به نظر من والدین در دوران ابتدایی تولد فرزندانشان باید به اطلاعاتی مجهز باشند و مثلا بدانند که هر ۶ماه یک بار باید رشد کودک را از نظر ذهنی و روانی ۔ ۔ باروانشـــناس چک کنند و راهکارهایی که برای عماه آینده کــودک باید انجام بدهنـــد را بدانند و دربـــاره رفتارهای احتمالی کــودک اطُلاعاتی کسب کنند، از ۴سالگی به بعد باید رفتار درمانی و تنبیه و پاداشی که برای کودک در نظر گرفته می شود را آموخته باشند. یکی از مشکلاتی که متاسفانه والدین در زمینه تربیت کودکان عقبدهای است که س . با آن روبهرو هس ندی به تربیت کودکان ورود کرد، البته که این ر . از همان روزهــای اول زود گریه می کنند، بدغذا و بدخواب هســـتند درواقع، کودکان سختی به صباب می آیند. این کُودکان به هر دورهای که اردمی شوند، ممکن است بامشکل روبه رو شوند واردمی شوند، ممکن است با مشدل روبدرو سر... که البته والدین این کودکان باید هوشــیارانه تر ۱۳۰۱ - ۲۰ محمز تر باشند. از عمل كنند و به اطلاعات لازم مجهزتر باشند از طرفی بچههایی هم هستند که در دوران ابتدایے رخی چه عنی عام استندا زندگی شان هیچه شکلی ندارندخوابشان به اندازه است، دل در دهایی که بی تابشان کند، ندارند درواقع مسیر سادهای راطی کردهاندو شاید بشود ههای دیگر تربیتی را برای آنها اجرا کرد. ادامه در صفحه ۱۰

کتاب و خاصه ادبیات داستانی یکی از راههایی است که می تواند به عنوان یک ابزار آموزشی برای نی مختلف کارآیی داشیته باشد ۔ گروہھای ، تروههای هستنی مختلف کار این داهسته باشد کودکان یکی از این ردههای سنی هستند که با رب کی کی در این در است می می است کی در است که در است که در آن قرار دارند در این مسیر در مقایسه با سایر افراد، بیشترین تاثیر رااز کتاب می گیرند. به نظر ر ما در جامعه خودمان ابتدا باید تعریف خود بن ما در جامعه خودمان ابتدا باید تعریف خود ز کودک را مشخص کنیم و بعد مطابق با نیاز أُنها، كتابُ توليد كنيم. بــه اعتقاد من ، كودك را مى تواند باتوجه به دو جنبه كلى تقسيم و تعريف کرد. از منظر عام کودک دارای فیزیولوژی عام و کودگان مشترک هستندو در هر جای جهان بکنیاز جسمانی به حساب می آید از سوی دیگر با جنبه خاص کودکان مواجه می شــویم كه براسـاس آن، كودك از لحاظ روانش شرايطُ فرهنگى وبومى محيطى كەدر آن زندگى مى كندرادارااست.بااين وجود تمام كودكان آثار فانتزى رابەدلىل عنصر تخيل كەدر تمام اين آثار موجوداست، دوست دارند. برای مثال «آلیس در ـــرزَمين عجايب» در اُبتدا در انگليس محبوب شد و بعد از ترجمه تمام بجه های دنیا شیفته ن شدند. از سوی دیگر مسائلی وجود دارد که ممکن است در بین کودکان تفاوت داشته باشد. مثلاقصههای طنز آمیزی که برای بچههای اروپا نوشته شده برای بچههای ایرانی کارآیی ندارند. کتابهای ترجمه شده واقعا در ساخت روحی ر. ست دارند. باتوجهبه گسستردگی . ب ادبیات بایداثری ترجمه شود که اگر حتی ربطی به جامعه مــاندار دبا هدف وســيع تر کردن افق که در مورد موضوعاتی چون خشـــم، دوســــتی، اجتماعی شـــدن، خانواده و ... کتـــاب می تواند به عنوان یک ابزار تربیتی مهم و بدون جایگزین، نقش خود راایفا کند. بگذارید کمی جزیی تر پیش برویم. خانواده واحد بنیادی جامعه است. بْنَابِراَینُ اُگر به لحُاظ فُرهنگی در خانواده نقصی وجود داشته باشد این نقص به بخشهای دیگر وُ نسُـلهای آینده تسـری می یابد در شرایطُ حاضـر بسـیاری از خانوادهها، ادبیـات کودک و نوجوان را صرفا یک سے گرمی بےرای بچەھا می دانند و به عنوان یک امر ضروری و تربیتی به ن نمی نگرند. اگر در حال حاضر تیراژ کتابهای کودک و نوجوان در کشور ما چیزی حُدود ۲هزار نسخه و حتی متاسفانه کمتر از آن است، بخشی از آن مربوط به نبودیک نگاه جـدی از طرف نمی دهدوبنابراین به طور کلی جُامعه بامشکلات اساسی مواجه می شود. با این وجود باید بپذیریم هیچ دستگاه رسمی داخل خانههای مردم مأمور نگذاشته که مانع مطالعه آنها و کودکانشان شود بساگر مامشکلی در جدی گرفته نشدن ادبیات پ ک کودک در خانوادهها داریم بخشی از آن مربوط به آسیبشناسی خود خانوادههاست. خانوادهها ننها آموزش را مدنظر ندارندد علاومبر آموزش، سر گرمی کودکانشان هم برایشان مهم است مانکته اصلی اینجاست که این دواصل قضیه ـت. يعني كاركرد ادبيات كودك و نوجوان صرفا آموزش و سـرگرمی نیست. البته هر دو این موضوعات می توانند به طور غیر مستقیم از دستاور دهای مطالعه ادبیات کودک و نوجوان اشــدامًا، هدف مهرتر ادبيات كودك و نوحوان لذت خواندن و دستيابي به زيبايي شناه و هنری هست. هنر و ادبیات می تواند در وهله وُل، بُعــد مهمــی از زندگی یک کـُـودکُ را در کودکی بسازد.البته کودکی هم که بدون کتاب بزرگ می شـود بعدها به عنوان یک بزر گسـال می تواند زندگی کند اما چه نوع زندگی؟ یک زندگی صرفا زیستی برای انسانی فارغ از تفکر. رت کی طرح ریسی بری مسلی سری مسأله اساسی این است که خانواده باید هنر و ریستاجتماعی را بهعنوان نیاز انسان امروزی برای کودکش در نظر بگیرد. امروز بچههای ما بهٔ شیوهٔهای در سُتُ یا نادرُستُ عَلَم و دانش را فرامی گیرندو دکتر و مهندس می شــوند اما در وهی به نظر می رسد از بطن خانوادهها و مجمع به نظر می رسد از بطن خانوادهها و چند سیستم آموزشی ما انسانی فرهیخته و چند بعدی بیرون نمی آید. یک علت آن عدم آشنایی پچهها اهنر و ادبیات است. بنابراین چرخه نربیتی کودکان ما معیوب است. پدر و مادر ر... خانواده نیــز همینطور با نگاه ســختگیرانه و محدود بار آمــده و نوآوری و کهنهســتیزی را ن نشناختهاند. که لازمه هنر است به ـات را ُدر چارچُوبــُـی فرمولی، رس ـنگوارهای میبیند و هر چیزی کــه خارج از قالبها، دستورها يا سفًارشُها باشد، به نظرشُ ـت و حتى بدآموزى به حس أموزنده نيسا می اُید درنتیجه، چَـون خودشَ همین طور بار آمده یک نگاه تعلیمی نسبت به ادبیات دارد آن هم با دیدی محدود و محدودکننده، درنتیجه سی به حیدی عدو و سیسود سیست عرسید. برخی کلمات، گزارهها و توصیفات را برنمی تابد. پدر و مادری که به صورت فعالانه مقصر نیستند،

ردظلم واقع شدداندو ناخواسته همان ظلم رابر کودک خوداعمال می کنند.